

آثار موسیقی نگارش و ضبط شده

امید آزادگان، نوازنده، آهنگساز و مدرس موسیقی

مقدمه

نوشتن موسیقی را از سنین نوجوانی و برای آنسامبل های موسیقی پاپ که در آن ها مشغول نوازندگی بودم، آغاز کردم. نوشتن ترانه همراه با خط ملودی و آکورد گذاری های ساده و متداول در موسیقی مردم پسند در آن زمان که لازمه اصلی اقبال عمومی به سمت اجراها و کنسرت ها در آن وقت بود. علاوه بر تنوع در رپرتوار آموزشی که از سازهایی که آموخته بودم، گستردگی موسیقی مورد علاقه ای که روزانه به آن گوش می دادم (موسیقی کلاسیک، جز، راک، متال، سنتی و ...) در کنار استفاده از تجربیات سایر نغمه پردازان یا تنظیم کننده ها در گروه ها و حس کنجکاو و تمایل به خلق، گرایش به نگارش موسیقی را به سرعت در من افزایش می داد. خوشبختانه استقبال مخاطبین در سالن های اجرا و نوازنده های گروه ها از آثار اولیه سبب شعله ورتر شدن این گرایش درونی شد. از سال 1382 نگارش پارتیتورهای کامل را برای گروه های موسیقی همکار با استفاده از نرم افزارهای موجود آغاز نمودم.

از سال 1384 که سرپرستی گروه موسیقی سپهر را عهده دار شدم، مسئولیت مستقیم نگارش و تنظیم آثار برای گروه کاملاً بر عهده بنده بود. موسیقی مورد نگارش در این گروه همواره براساس سازبندی در دسترس، دچار تغییر و تحولات گسترده می شد و صد البته که همواره محدودیت تکنیکی نوازنده های در حال همکاری خود می توانست در تنظیم و یا خلق آثار بسیار تأثیرگذار و چالش برانگیز باشد. نخستین آلبوم ضبط خانگی خود را در سال 1385 ضبط و آرشیو کردم. این آلبوم با نام قوهای سپید مجموعه ای بود از آثار باز آفرینی شده با آثاری اورجینال که برای گروه موسیقی سپهر تا آن زمان تنظیم یا نگارش کرده بودم. ضبط، میکس، مسترینگ و نوازندگی تمام سازها، جز سازهای کوبه ای ایرانی را در این اثر نیز خودم انجام دادم. به دلیل محدودیت امکانات خانگی و ضعف های مسلم در نوازندگی کیفیت اثر در حد مطلوب نبود و به طبع جهت به یادگار نگه داشتن آثار ضبطها را انجام می دادم.

از سال 1385 به بعد تصمیم به نگارش و تولید اثر در ژانرهای مختلف موسیقی و به شکل موسیقی سازی گرفتم و ساختار گروه موسیقی سپهر هم به این شکل تکمیل و ادامه دار می شد. به این دلیل که همواره فعالیت های موسیقایی من در سایه ادامه تحصیل قرار داشت، هیچگاه به صورت جدی و اختصاصی به ضبط و پخش آثار خود فکر نمی کردم. آلبوم دوم را در سال 1387 با نام رها که مجموعه ای آثار باز آفرینی یا اورجینال و همراه با دکلمه هایی از سروده های شخصی ام بود را برای آرشیو شخصی با همکاری دوستانم ضبط و آرشیو کردیم. آلبوم سوم را در زمستان 1390 و مجدداً به تنهایی از موسیقی های بی کلام همان سال با عنوان خلوت ضبط و آرشیو کردم.

تحصیل در مقطع دکترای مهندسی و فعالیت های پژوهشی مجال چندانی به نگارش آثار جدید را نمی داد و به ندرت در زمان هایی خاص ترانه ها یا موسیقی هایی نگارش، اجرا و آرشیو می شد. پس از پایان خدمت سربازی در زمستان 1394 و اختصاص تمام وقت و انرژی به آموزش و تدریس موسیقی در شهر کرمان عموم نوشتارهای موسیقایی به آموزش و تربیت هنرجوها اختصاص یافت. در زمستان 95 برای شرکت در جشنواره ای مرتبط با هنر و محیط زیست، ترانه و موسیقی ای با مضمون طبیعت و حفظ زمین نگارش و در استودیوی موسیقی پارت تهران با حمایت اساتید عزیزم آقایان رضا عالمی، داود منادی و ناصر رحیمی و خانم آرمینه درمگر دیچیان ضبط کردیم. با ضبط این اثر و با بازخورد بسیار مناسبی که از اساتید دریافت کردم به ضبط اولین آلبوم رسمی خود ترغیب شدم.

آلبوم چشمان

آلبوم چشمان به عنوان اولین آلبوم رسمی منتشر شده در تابستان 1397 است که ضبط آن در خرداد ماه 1396 در استودیوی پارت تهران با حضور نوازنده های برجسته موسیقی ایران انجام شد. آثار این آلبوم به صورت گلچینی از آثار گذشته که با آن ها خاطرات خوبی داشتم (5 اثر) که بیشتر در فرمها، قالبها و سازبندی موسیقی های پایپولار نگارش و ضبط شدند. دو اثر دیگر این آلبوم (باران و فروغ ستاره) از آثاری که به سفارش دیگران دریافت نموده بودم و در سازبندی های ارکستر بزرگ با همراهی سازهای مهمان انتخاب و ضبط شدند.

رها در زمستان 1387، قصه در تابستان 1388، اشتیاق در بهار 1390، چشمان در بهار 1390 برای گیتار و آسامبل پاپ، قطعه قصه در تیرماه 1391 نگارش شده بودند که مجدداً برای ضبط در آلبوم چشمان تنظیم و نگارش شدند. قطعه باران و فروغ ستاره در زمستان 1395 بنا به سفارش های دریافتی به ترتیب برای ارکستر بزرگ با همراهی ترومپت، گیتار، گیتار بیس و درامز، و ارکستر بزرگ با همراهی سازها دف و پیانو و گروه کر نگاشته شدند. متأسفانه، آلبوم چشمان به دلیل عدم عملکرد حرفه‌ای و مناسب ناشر روند دریافت مجوز بسیار طولانی را سپری کرد و پخش آن در زمان مناسبی و شکل مناسبی انجام نشد.



تصویر 1: کاورهای آلبوم چشمان

قطعه باران

قطعه باران از این آلبوم را در این مقاله کمی بسط و گسترش می‌دهم. قطعه‌ای که فارغ از ساختارهای متداول فرمال در موسیقی کلاسیک یا پاپولار جهت روایت یک داستان نگارش شده است. این قطعه به سفارش یکی از دوستان بنده که در کار خوانندگی فعالیت داشت بر روی شعر "باز باران با ترانه" اثر سید مجدالدین میرفخرایی (گلچین گیلانی) در ابتدا برای خواننده با همراهی ارکستر نگارش شد؛ اما، پس از مدتی کوتاه تصمیم بر ضبط آن به صورت بی‌کلام و با آوای جادویی ساز ترومپت به عنوان سولو گرفته شد.

موسیقی نگارش شده سعی در دنبال کردن فضای شعر مذکور دارد. در بخش اول، شاعر با مشاهده باران در شهر خاکستری رنگ لندن با آسمانی تاریک، در کنار شنیدن صدای گنجشک‌ها و دیدن جاری شدن آب در خیابان‌های خردگویی خود از باران بهاری را بیاد می‌آورد.

"باز باران با ترانه، با گهرهای فراوان، می‌خورد بر بام خانه، من به پشت شیشه تنها، ایستاده در گذرها، رودها راه افتاده، یک دو سه گنجشک پرگو، باز هر دم می‌پرند این سو و آن سو، می‌خورد بر شیشه و در، مشت و سیلی، آسمان امروز دیگر نیست نیلی،

یادم آرد روز باران، گردش یک روز دیرین، خوب و شیرین، توی جنگلهای گیلان، کودکی ده ساله بودم، شاد و خرم، نرم و نازک، چست و چابک، از پرنده، از چرنده، از خزنده، بود جنگل گرم و زنده، آسمان آبی چو دریا، یک دو ابر اینجا و آنجا،

چون دل من روز روشن، بوی جنگل تازه و تر، همچو می‌مستی دهنده، بر درختان میزدی پر، هر کجا زیبا پرنده، برکه‌ها آرام و آبی، برگ و گل هر جا نمایان چتر نیلوفر درخشان، آفتابی، سنگ‌ها از آب جسته، از خزه پوشیده تن را، بس وزغ آن جا نشسته، دم به دم در شور و غوغا

رودخانه با دو صد زیبا ترانه زیر پاهای درختان، چرخ میزد، همچو مستان، چشمه‌ها چون شیشه‌های آفتابی، نرم و خوش در جوش و لرزه، توی آن‌ها سنگ ریزه، سرخ و سبز و زرد و آبی"

با در نظر گرفتن این فضای توصیفی بسیار زیبا از جنگل‌های شمال ایران که عموماً همه ما خاطرات بسیار خوبی از فضای دل‌انگیز آن داریم به سراغ پارت موسیقی اثر باران برویم.

تصویر 2: نمای اسکرول بخشی از پارتیتور اسکور قطعه باران

در توصیف فضای باز و درخشان جنگل تنالیده C Major انتخاب شده و برای القای رقص گونه حرکت درختان و پرندگان در طبیعت زیبای جنگل میزان نمای سه چهارم انتخاب شده و از آنجا که کودک در جنگل در حال قدم زدن است و اتفاقات در سرعت طبیعی پیش می روند، تمپو در نزدیکی سرعت *Andante* انتخاب شده است. گشایش موسیقی با آرپژ یک ساز زهی زخمه ای (در پارتیتور ساز هارپ و در ضبط ساز گیتار) با همراهی آرپژ همسوی ماژور در سازهای زهی آرشه ای و نت های کشیده زهی های آرشه ای القای فضایی رویایی و درخشان را بر عهده دارند. ملودی اصلی بر عهده ساز جادویی فلوت است که با اجرای استادانه ناصر رحیمی آواز پرنده ها را در ذهن یادآور می شود. کنتر ملودی به زیبایی اجرا شده توسط کلارینت سی بمل (در پارتیتور می بمل) توسط محمد حسین پورمعین نماینده صدای پرنده دوم در پاسخ به آواز پرنده یا دسته پرنده اول است. کمی که پیش می رویم به عمق جنگل وارد می شویم، بادی برنجی های بم تر می توانند آواز وزغ ها را در سطحی پایین از نظر صدایی برای ما تداعی کنند.

تصویر 3: ملودی و کنترملودی فلوت و کلارینت در آغاز قطعه

تصویر 4: گشایش سازهای زهی آرشه‌ای و حل های نرم هارمونی برای ایجاد تصویری پایدار و خیال انگیز

پس از عبور از introduction نوبت به روایت فضا از زبان شاعر توسط نوازنده ترومپت سولو با اجرای بسیار زیبای حسن فراهانی (خواننده در نسخه قدیمی‌تر) می‌رسد. ملودی دارای ساختاری پیوسته، با نت‌های عمدتاً کشیده، پرش‌های کوتاه، ریتمی جز مانند در بیشتر مواقع دارای ساختاری پایین رونده یا کمانی است. تمام این ویژگی‌ها می‌تواند در کنار صدای گرم و غنی ترومپت، رویایی بودن فضای موسیقی را تشدید کند.



تصویر 5: بخشی از خط ملودی سولو برای ساز ترومپت (خواننده)

پس از عبور از روایت زیبایی‌ها و بازهای کودکانه شاعر که در هارمونی و ملودی و ریتم همراه نمود خود را داشتند، روند فضای شعر نیز تغییر می‌کند که بخشی از آن را در ادامه آورده‌ام:

"اندک اندک، رفته رفته، ابرها گشتند چیره، آسمان گردید تیره، بسته شد رخساره خورشید رخشان، ریخت باران، ریخت باران، جنگل از باد گریزان، چرخ‌ها می‌زد چو دریا، دانه‌های گرد باران پهن می‌گشتند هر جا، برق چون شمشیر بران، پاره می‌کرد ابرها را، تندر دیوانه غران، مشت می‌زد ابرها را...."

با تغییر فضای حاکم بر روند شعر و تیره شدن و طوفانی شدن هوا مد (mode) مورد استفاده در موسیقی و فیگورهای موتیفیک و ریتمیک هم می‌تواند تغییر کند. بنابراین موسیقی از حالت تنال ماژور به موسیقی مدال و مدهای مینور تغییر حالت می‌دهد و همانند سرگردانی و پرنده‌ها و چرخش و گردش درختان در طوفان و ... موسیقی بین مدهای اولین و فریزین در چرخش است. پاساژها و تحرک‌های سازهای زهی آرشه‌ای با اجرای زیبای نوازندگان چیره دستی چون رضا عالمی، مازیار ظهیرالدینی، محمدرضا کریمی، سهراب برهمندی و کریم قربانی فضای حاکم را به خوبی تقویت می‌کند.

تصویر 6: تغییرات مودال و تحرکات سازهای زهی آرشه‌ای

سولوی ویلن که به زیبایی هرچه تمام توسط مازیار ظهیرالدینی اجرا شده نمایان‌گر رعد و برق و تندر است:

تصویر 7: سولوی ویلن

با پایان یافتن طوفان و باران، فضا رویایی و بسیار دل‌فریب می‌شود:

"سبزه در زیر درختان، رفته رفته گشت دریا، توی این دریای جوشان، جنگل وارونه پیدا، به چه زیبا بود جنگل، بس فسانه بس ترانه، بس گوارا بود باران، می شنیدم اندر این گوهر فشانی، راز های جاودانی، پندهای آسمانی، بشنو از من کودک من، پیش چشم مرد فردا، زندگانی خواه تیره خواه روشن، هست زیبا هست زیبا هست زیبا"

این زیبایی محض در تنالیده لا مینور را اجرای بداهه بسیار زیبا و چیره دستانه گیتار توسط فیروز ویسانلو و با پاسخ های دل انگیز ترومپت حسن فراهانی به اوج می‌رسانند. نوازندگی هنرمندانه درامز بهنام شهرکی و گیتار بیس فیروز ویسانلو نیز در تمام طول قطعه به رنگ آمیزی بهتر اثر کمک شایانی کرده است. فضا سازی بادی های برنجی با نوازندگی فرشاد شیخی، حسن فراهانی و حسین شریفی، در تولید ریتم هارمونی، تشدید فضا سازی و ایجاد رنگ بندی این اثر را از کار های پایپولار متداول بسیار دور می‌کند.

قطعه باران به فراخوان پخش موسیقی کمپانی Sheed Records آمریکا در زمستان 1396 ارسال و به عنوان اثر برگزیده انتخاب شد؛ اما، به دلیل احمال کاری ناشر آلبوم چشمان در روند اخذ مجوزها و نشر اثر، امکان پخش توسط شرکت آمریکایی از دست رفت.

آلبوم های موسیقی ایرانی برای آنسامبل

پس از آلبوم پرکار و بسیار پرهزینه چشمان، چند وقتی تنها به نگارش آثار برای هنرجویان در گروه موسیقی سپهر و آنسامبل ملی هونیاک مشغول شدم. موفقیت آلبوم چشمان در جلب نظر اهالی صاحب نظر در موسیقی جسارت بیشتری برای نگارش به من داد. اجرای موفق آنسامبل سپهر در دهمین همایش خیریه در زمستان 1397 و کارگاه موفقیت آمیز نوازندگی و آنسامبل در همان زمستان با همراهی استاد عالمی سبب شد تا آنسامبل ملی هونیاک هم برای یک کنسرت در تابستان 1398 آماده شود. آثاری از بزرگان موسیقی ایران در دستگاه همایون، آواز اصفهان، آواز دشتی و دستگاه ماهور برای آنسامبل زهی به همراهی تار، سنتور، کمانچه (ویلن)، تمبک، دایره و دف تنظیم و در کنسرت های تابستان و پاییز 1398 به اجرا درآمدند. پس از استقبال مخاطبین از آثار بازسازی شده تصمیم به ضبط و نشر آثار در سه آلبوم متفاوت گرفته شد؛ اما پس از سنگ اندازی انجام گرفته توسط میراث داران آهنگسازان در واگذاری حق نشر آثار از انتشار رسمی آثار صرف نظر شده و ضبطها به صورت آرشیو نگهداری می‌شوند.

آلبوم بدرود

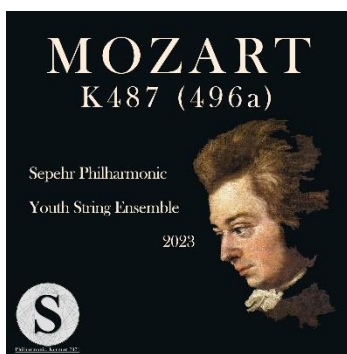
بازتاب مثبت مخاطبین از اجراهای آنسامبل موسیقی سپهر در سالهای 1393 تا 1397 که مبنی بود بر آهنگهایی که در دوران نوجوانی نوشته و مجدداً برای آنسامبل تنظیم کرده بودم، سبب شد تا به ضبط برخی از این آثار در آلبوم بدرود بپردازم. تعدادی از این قطعات به صورت تک آهنگهایی توسط شرکت ساز و آواز کویر در سال 1399 منتشر شد و آلبوم کامل بعدها در کانال یوتیوب شخصی بارگذاری شدند. قطعات این آلبوم: قوهای سپید (سال 1385)، خلوت (سال 1390)، والس بهار (تم سال 1386 تنظیم برای آنسامبل 1397)، اشک در چشمانت (سال 1386)، گذر زمان (سال 1386)، حس متفاوت (سال 1383) و بدرود (سال 1399) هستند. نکته لازم در خصوص ضبط آلبوم بدرود این است که در اوج دوران همه گیری کرونا و پیش از واکسیناسیون با حداقل امکانات ضبط خانگی انجام شده و از محدود آلبومهایی است که با تنوع بالای سازی در خارج از پایتخت و شهرهای بزرگ به سرانجام رسیده است. ضبط و نشر این آثار تنها جنبه ثبت حافظه‌ای داشته است. در ضبط این آثار احسان ثمره طاهری و بهناز نقیبی من را یاری کردند.



تصویر 8: کاورهایی از آلبوم بدرود

آلبوم موتزارت (496a) K487

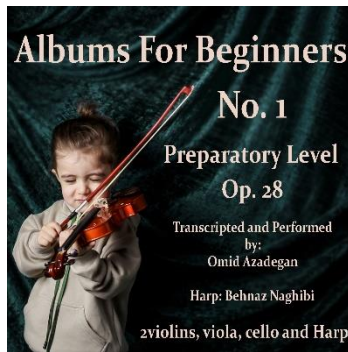
در روند آموزش آنسامبل فیلارمونیک جوانان سپهر نیازی مبرم به داشتن رپرتوار موسیقی کلاسیک غربی، اما در سطح هنرجویان به شدت احساس می‌شود. ناهمسانی ابتدایی در ساختار این آنسامبل از نظر سطح توانایی نوازندگان سبب شد تا مجبور به نگارش و تبدیل قطعات موسیقی کلاسیک برای این آنسامبل باشیم. در این روند آلبوم K487 موتزارت، 12 قطعه که برای دونوازی هورن نگارش شده است (اما برای دو ویلن نیز ویرایش گردیده)، یک ست کامل از قطعات زیبا را در اختیار ما قرار داد. با افزودن یک خط باس برای ویلنسل و یک خط میانی برای ویولا توانستم 12 قطعه آموزشی خوب برای هنرجویانم در آنسامبل فیلارمونیک جوانان ایجاد کنم، تا کتون ضبط 4 قطعه از این آلبوم بر روی کانال یوتیوب شخصی بنده برای نمونه و آرشیو قرار گرفته است. در ضبط این آلبوم پویا افشین نوازنده و مدرس ویلن کمک بسیار شایانی ارائه کرد.



تصویر 8: کاور آلبوم Mozart K487(496a)

مجموعه آلبوم های آنسامبل برای نوآموزان زهی آرشه ای

از دیگر پروژه های بزرگی که در روند آموزش آنسامبل برای هنرجویان تعریف شده و در دست انجام است، تبدیل رپرتوار آموزشی آن‌ها (که بر اساس سرفصل توسعه موسیقی رویال کنسرواتوار تورونتو توسط اینجانب تدوین و تالیف گردیده و تا کنون 10 کتاب از این مجموعه توسط شخص بنده و نشر هنر دژاکام به چاپ رسیده است) به قطعاتی برای آنسامبل زهی بوده است. کارهایی مشابه و بسیار ارزشمندی توسط انجمن سوزوکی و مربیان بزرگ موسیقی انجام شده است؛ اما گستردگی و حجم این مجموعه می‌تواند در نوع خود بی‌بدیل باشد. این مجموعه عمدتاً برای یک ساز سولو (ویلن، ویولا یا ویلنسل) با همراهی یک کوارتت پیه تریوی زهی در دست نگارش است. جلد هایی از این مجموعه در سال جاری توسط نشر هنر دژاکام با همت شهاب جعفری منتشر خواهد. آلبوم های صوتی این کتاب ها که به صورتی ویژه در دست تهیه و تولید قرار دارند، می‌توانند مجموعه ای ارزشمند برای کودکان و نوجوانان از نظر شنیداری و تربیتی و توسعه نوازندگی باشند.



تصویر 9: کاور آلبوم‌ها برای نوآموزان شماره 1

مجموعه آلبوم های چهارصدایی آکاپلا

آواز گروهی و عضویت در آنسامبل های آوازی، بخش بسیار مهمی از آموزش موسیقی به علاقه مندان دارای هدف و پشتکار بالا را شامل می شود و کمک شایانی به پیشرفت برنامه سلفژ و تربیت شنوایی هنرجویان می کند. از دیگر برنامه های در دست اجرا در ردیف نشر و نوشتار موسیقی، تنظیم قطعات و ملودی های آسان برای گروه های آوازی تحت آموزش بنده در خانه موسیقی سپهر است. استفاده از ملودی های فولک و آشنا و تبدیل آن ها به آثاری چهار صدایی (سوپرانو، آلتو، تنور و باس) و ضبط این مجموعه به صورت ویژه می تواند ابزار کمک آموزشی بسیار ویژه ای برای هنرجویان موسیقی باشد. مجموعه این آثار هم در قالب چند کتاب به زودی برای چاپ به نشر هنر دژاکام سپرده خواهد شد.

شایان ذکر است که مجموعه آثار چاپ و منتشر شده از اینجانب عموماً در راستای اهداف آموزشی و یا ثبت و نگهداری یک اثر برای حفظ خاطره خوب آن انجام شده است. جنبه های اقتصادی در تولید و نگارش آثار یا شرکت در جشنواره های آهنگسازی تا کنون مد نظر نبوده است. نقص در ضبط و نشر آثار جدید هم به دلیل مشغله بالای آموزشی و پیگیری در حصول نتیجه در امر آموزش هنرجویان است. امیدوارم در ماه های پیش رو امکان وقتی بیشتری برای نگارش و ضبط داشته باشم تا بتوانیم گام هایی هر چند کوچک در این راستا برداریم. تلاش برای ضبط آثار گذشته و همچنین تجهیز امکانات در حال حاضر این توانایی را برای ما ایجاد کرده که تا حد امکان برای روند نگارش، ضبط، میکس و مسترینگ کارهایی که به یک آنسامبل زهی ارشده ای احتیاج دارند تا حد زیادی به خارج از شهر کرمان وابسته نباشیم و این برای شخص بنده که در سال 1396 برای ضبط نخستین آلبوم خود به ناچار به تهران رفته و هزینه های کلانی متقبل شدم، می تواند خبر بسیار خوبی باشد. امیدوارم تا به تدریج کیفیتی بسیار مطلوب و در سطحی قابل ارایه برای تمام ژانرهای موسیقی در شهر کرمان دست پیدا کنیم.

در انتها نیز باید قدردان زحمات شهاب جعفری عزیز و پیگیری ارزشمند نشر هنر دژاکام برای ثبت و چاپ این روندها در تاریخ موسیقی کرمان باشم و برای این مجموعه آرزوی سلامتی، توان و پیروز دارم.